

نقش کارکردهای اجرایی تعاونی‌های روستایی زنان در

توانمندسازی اقتصادی اعضا

بررسی موردی استان ایلام

**The role of Executive functions of Women's Rural
Cooperatives in Economic Empowerment of Members**

A case study of Ilam Province

مهرداد نیک نامی^۱، زینب بندرز^{۲*}، و داود ثمری^۳

^۱عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ^۲دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد

گرمسار، ^۳عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

E-mail: zinabandrez@gmail.com

* نویسنده مسئول

خلاصه

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کارکردهای اجرایی تعاونی‌های روستایی زنان در توانمندسازی اقتصادی اعضاء انجام گرفت. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق؛ کلیه زنان عضو تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام در سال ۹۰-۸۹ بودند ($N=1242$) که با استفاده از نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده و با انتساب متناسب، ۱۲۸ نفر به عنوان جامعه نمونه گزینش شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه ای بود که روایی آن بر پایه نظر جمعی از استادان تأیید شد. پایایی این بخش از پرسشنامه (کارکردهای اجرایی تأثیرگذار) نیز با محاسبه از راه ضریب کرونیخ آلفا ($\alpha=0/80$) برآورد شد. نتایج رگرسیون در زمینه تأثیرگذاری پنج متغیر مورد بررسی بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء مبین آن بود که متغیرهای میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی، میزان افزایش درآمد، و میزان تأمین وام و اعتبارات بانکی از راه تعاونی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء می‌باشند. این متغیرها در مجموع، ۴۸/۵٪ از واریانس توانمندی اقتصادی اعضاء را تبیین نمودند. در انتها با توجه به نتایج تحقیق، به منظور افزایش میزان اثر بخشی تعاونی‌ها در توانمندسازی اقتصادی اعضاء پیشنهاداتی ارائه شد. واژه‌های کلیدی: توانمندسازی اقتصادی، تعاونی‌های روستایی زنان، ایلام.

Abstract

The purpose of this study was to survey the role of executive functions of women's rural cooperatives in economic empowerment of members. This study was an applied type research and was done by descriptive/correlative method. The study population of this research consists of all of the members women's of rural cooperatives at ilam province in 2010-11 year ($N=1242$), which among them, 128 members have been chosen by means of simple random sampling method. The instrument for collecting data was a questionnaire which its validity was confirmed by jury of experts and its reliability was established through calculating Cronbach Alpha coefficient, as estimated to be 0.80. The result of regression analysis regarding the effectiveness of five studied variables on economic empowerment of member's indicated that creating employment & entrepreneurship, increasing income, and to secure the loans & credits bank through cooperatives was the effective factors on economic empowerment of member's. In sum, these variables could specify 48.5% of variance of dependent variable. Finally, some recommendations have been suggested to improve effectiveness of cooperatives toward increasing economic empowerment of member's.

Key Words: Economic Empowerment, Women's Rural Cooperatives, Ilam.

مقدمه

در بسیاری کشورها، زنان روستایی را که از لحاظ اقتصادی در سطح مطلوب نیستند می‌توان با پشتیبانی و تشویق بر انگیزت تا گروه‌هایی را پدید آورند و هدایت نمایند که به موجب آن توانمندی اقتصادیشان افزایش یابد و به پشتیبانی متقابل اقتصادی و فرهنگی جامعه منجر شود (بهنود، ۱۳۸۸). توانمندسازی اقتصادی زنان در واقع نوعی حرکت و انتقال از فقر، از راه نسبت مشخصی از سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی، انسانی، اجتماعی، مالی و زیست‌محیطی است (Randriamaro, 2008). تحقق این امر از راه ایجاد تعاونی‌ها امکان‌پذیر است. در واقع تعاونی‌های روستائی زنان به عنوان یک پایگاه مستقل در سطح روستا به منظور بهبود وضع زندگی اعضاء خود و خانواده‌های آنان و دسترسی بیشتر به منابع تولید و افزایش میزان مشارکت اجتماعی- فرهنگی و تبدیل اسشمارهای بالقوه به بالفعل زنان روستائی و در نهایت خود اتکائی آنان تشکیل شده است (برازنده مقدم، ۱۳۸۸). این مفهوم تعاونی، متضمن بهبود و اصلاح است. کارکرد پایه‌ی آن نیز، حل مسأله و پاسخ دادن به نیاز انسان است. بنابراین زمانی که کارکرد تعاونی رضایت‌بخش باشد می‌تواند نفوذ خود را به محیطی که زاینده مسائل یا نیازهای انسانی است اعمال نماید. به این ترتیب تأثیر مطلوب تعاونی بر دیگر اجزاء جامعه مؤثر می‌افتد و موجب بهبود کار آنان می‌شود. تعاونی‌های زنان به دلیل ماهیت حاضر خود با ترسیم هدف‌های مشترک در برای منافع عمومی به آسانی می‌توانند ضمن شناخت فرصت‌های مناسب فعالیت، زمینه و شرایط لازم را برای برخورداری از این فرصت‌ها فراهم آورند (بهنود، ۱۳۸۸). بنابراین ایجاد و تقویت این تعاونی‌ها راهبردی برای توانمندسازی اقتصادی زنان به شمار می‌رود. در این راستا نخستین گام برای توانمندسازی اقتصادی زنان با این تعاونی‌ها، دستیابی به موقعیت مطلوبی است که زنان بتوانند بواسطه آن از فرصت‌های شغلی مناسب بهره‌مند شوند. در واقع فراهم آوردن فرصت‌های درآمدزا متناسب با نیاز جامعه برای اعضاء یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی است که در تعاونی‌ها مطرح می‌شود (بهنود، ۱۳۸۸). تعاونی‌ها با بسیج منابع محدود، در اختیار قرار دادن اعتبارات، دانش و فناوری مناسب به اعضاء در زمینه‌های جدید تولید و بازاریابی، ضمن توسعه سازمانی خود می‌توانند زنان را به کارآفرینانی موفق مبدل سازند (Sanyang & Huang, 2008). بنابراین برای ایجاد تحرک

و توانمندسازی اقتصادی زنان در سطح روستا لازم است به شرکت‌های تعاونی اهمیت ویژه‌ای داده شود. تعاونی‌های روستائی؛ منبع تولید درآمد، ابزار کار و اشتغال برای زنان هستند. به طوری که می‌توانند همگام با سیاست‌های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اقتصادی زنان مؤثر واقع شوند (رزاقی، ۱۳۸۸). لذا ضرورت تشکیل شرکت‌های تعاونی روستائی زنان از حیث نقش آنان در ایجاد شغل، افزایش مشارکت بیشتر در توسعه اقتصادی جامعه، پرورش روحیه کارآفرینی و تولید درآمد دارای اهمیت است (United Nations, 2007). با این تفصیل؛ در خلال این تحقیق کارکردهای تعاونی‌های روستائی زنان از نقطه نظر اقتصادی و نقشی که این کارکردها می‌توانند در توانمندسازی اقتصادی اعضا داشته باشند در استان ایلام به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. از آنجایی که یکی از کارکردهای تعاونی‌های روستائی زنان می‌بایست منجر به توانمندسازی اقتصادی اعضا شود و با توجه به اینکه در این منطقه، پژوهشی در زمینه نقش کارکردهای اجرایی این تعاونی‌ها در توانمندسازی اقتصادی اعضا انجام نشده بود، لذا کارکردهای مؤثر تعاونی‌های روستائی زنان بر توانمندسازی اقتصادی اعضا در حاله‌ای از ابهام بود. بنابراین با توجه به خلاء موجود، این پژوهش می‌بایست به تبیین کارکردهای اقتصادی این تعاونی‌ها و نیز تأثیرهایی که کارکردهای مزبور بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستائی دارد بپردازد. در این راستا پرسش این تحقیق این بود که: آیا کارکردهای کنونی تعاونی‌ها منجر به توانمندسازی اقتصادی اعضا شده است؟ لذا نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌تواند کارکرد و وضعیت کنونی تعاونی‌های روستائی زنان استان را در زمینه توانمندسازی اقتصادی اعضا آن مشخص نماید. با توجه به اهمیت و نقش کارکردهای تعاونی‌های روستائی زنان در توانمندسازی اقتصادی اعضا، یافته‌های این تحقیق گامی در شناخت زمینه‌ها و شرایط لازم برای اجرای اقدام‌های توانمندسازی اقتصادی اعضا در تعاونی‌های روستائی زنان استان ایلام خواهد بود. در این راستا نوشتاری توسط بهنود (۱۳۸۸) با عنوان "واحدهای اعتباری راهکاری برای جلب مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستائی در تعاونی‌ها" تدوین شد. در زمینه کارکرد تعاونی‌ها، محقق بیان داشته که

تعاونی‌ها قادرند برای زنانی که به عضویت در می‌آیند فرصت‌های شغلی ایجاد نموده و میزان درآمد جاری آنان را بالا ببرند. همچنین برای زنانی که توان کار دارند اما سرمایه کافی برای ایجاد و راه‌اندازی کسب و کار ندارند، از محل تسهیلات بانکی و یا دیگر منابع مالی، سرمایه لازم را فراهم آورده و باعث رونق بخشیدن به کارهای تولیدی و کسب درآمد برای آنان شود.

در همین زمینه، نوشتاری توسط گل محمدی و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان "نگاهی بر اهمیت و کارکرد شرکت‌های تعاونی در افزایش بهره‌وری و توانمندسازی زنان روستایی" نگاشته شد. در این نوشتار تأکید شده که تشکیل تعاونی‌ها ابزار مناسبی برای افزایش نقش زنان در اقتصاد خانوار و جامعه، تأمین نیازهای نخستین بر پایه درخواست اعضاء و فروش محصولات تولیدی در بازار، شرکت در نمایشگاه‌های استانی و کشوری برای بازاریابی مناسب محصولات تولیدی و در نهایت پر رونق نمودن اقتصاد خانوار روستایی می‌باشند.

نوشتاری با عنوان "بررسی میزان رضایت اعضاء از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های روستایی شهرستان مشهد" توسط ثابت دیزاوندی و همکاران (۱۳۸۹) نگاشته شد. نتایج مربوط به عملکرد اقتصادی تعاونی‌ها نشان داد که عملکرد تعاونی‌های روستایی در زمینه شاخص‌های مورد اشاره قابل قبول نبوده و رضایت اعضاء از این عملکرد پایین بوده است. شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی شامل استفاده از وام برای سرمایه‌گذاری، تناسب وام دریافتی با نیاز اعضاء، آسان بودن باز پرداخت وام، رضایت از نرخ بهره، کمک وام به افزایش تولید، و تأثیر تعاونی در بهبود وضع اقتصادی اعضاء بود. نتایج نشان داد به دلیل امکانات و اختیارات محدود تعاونی‌ها، میزان بهره‌برداری اعضاء از منابع مالی تعاونی در حد پایین بوده است. نتایج نشان داد بیشتر اعضاء میزان وام دریافتی را به کلی متناسب با نیاز خود نمی‌دانستند. در زمینه نرخ بهره و آسان بودن باز پرداخت وام نیز؛ اعضاء در حد متوسط از آن رضایت داشتند. در زمینه استفاده تعاونی‌ها از منابع مالی موجود در برای سرمایه‌گذاری و افزایش تولید نیز؛ نتایج نشان داد تعاونی‌ها به کلی در این زمینه فعالیتی نداشته‌اند. همچنین

بیشتر اعضای بر این باور بودند که عضویت در تعاونی موجب بهبود وضعیت اقتصادی آنان نشده است.

از این رو این پژوهش با هدف کلی بررسی نقش کارکردهای اجرایی تعاونی‌های روستایی زنان در توانمندسازی اقتصادی اعضای انجام گرفت. در این راستا هدف‌های اختصاصی زیر مورد توجه قرار گرفتند:

۱. شناسایی ویژگی‌های فردی و اقتصادی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام؛
۲. تبیین رابطه بین کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها با توانمندسازی اقتصادی اعضای؛
۳. تعیین کارکردهای اجرایی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی اعضای تعاونی‌های مورد بررسی.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، و به لحاظ روش از نوع تحقیق‌های توصیفی-همبستگی بوده است. جامعه آماری تحقیق، ۱۲۴۲ نفر اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام در سال ۸۹-۹۰ می‌باشند. به منظور تعیین حجم نمونه، از مجموع پنج شرکت تعاونی روستایی زنان که در شهرستان‌هایی از استان ایلام فعال بودند به طور تصادفی و با انتساب متناسب، ۱۲۸ نفر از اعضای بر حسب فرمول کوکران گزینش شدند. متغیرهای پیش‌بین تحقیق؛ کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها می‌باشد. این کارکردها به تفکیک شامل؛ میزان تأمین وام و اعتبارات بانکی، میزان تأمین منابع مالی صندوق قرض‌الحسنه تعاونی، میزان افزایش درآمد اعضای، میزان بهبود وضع اقتصادی اعضای، و میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی از راه تعاونی‌ها می‌باشند. متغیر ملاک نیز؛ توانمندسازی اقتصادی اعضای بود. ابزار تحقیق مصاحبه و پرسشنامه بود. روایی پرسشنامه، از نوع محتوایی بود. به گونه‌ای که سعی شد تا ابزار و گویه‌های آن بر پایه پیشینه‌های تجربی و مبانی نظری موجود ساخته و پرداخته شود، سپس پرسشنامه طراحی شده به همراه هدف‌ها و فرضیه‌های تحقیق، در اختیار استادان موجود در این زمینه قرار گرفت و نظرسنجی آنان لحاظ شد. برای تعیین پایایی ابزار از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. لازم به یادآوری است که ضریب آلفای کرونباخ برای این بخش از پرسش‌های پرسشنامه $\alpha = 0/80$ محاسبه شد که نشان داد، ابزار از پایایی لازم برای سنجش

متغیرها را دارد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. همه مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به وسیله نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS win 19 محاسبه شد.

نتایج، بحث و نتیجه‌گیری

۱. نتایج توصیفی

۱.۱. ویژگی‌های فردی و اقتصادی اعضای تعاونی‌های مورد بررسی

بر مبنای نتایج به دست آمده، سن اعضای تعاونی‌های مورد بررسی به طور متوسط ۳۷ سال بود. در این میان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۳۰ سال با شمار ۴۶ نفر (۳۵/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی زیر ۲۰ سال با شمار ۳ نفر (۲/۳ درصد) بود. از نظر وضعیت تأهل؛ ۷۵/۸ درصد اعضای متأهل، و بقیه مجرد بودند. از نظر میزان تحصیلات؛ ۱۰۴ نفر (۸۱/۳ درصد) از اعضای با بیشترین فراوانی دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. در زمینه میزان درآمد پس از عضویت در تعاونی نیز نتایج نشان داد که بیشتر آنان (۸۶/۷٪) کمتر از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد در ماه دریافت می‌کنند.

۱.۲. کارکردهای اجرایی تعاونی‌های روستایی زنان

در این پژوهش کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها با پنج متغیر؛ میزان تأمین وام و اعتبارات بانکی، میزان تأمین منابع مالی صندوق قرض‌الحسنه تعاونی، میزان افزایش درآمد، میزان بهبود وضع اقتصادی، و میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی از راه تعاونی سنجیده شد. داده‌های مندرج در جدول (۱) نشان می‌دهد بیشتر اعضای (۵۳/۱٪) در حد متوسط به پایین بر این باورند تعاونی‌ها به لحاظ تأمین اعتبارات موفق عمل کرده‌اند. لذا موفقیت تعاونی‌ها را از این لحاظ در حد متوسط می‌توان ارزیابی نمود. یافته‌ها در تأیید نتایج نراقی (۱۳۸۹) است. به لحاظ تأمین منابع مالی صندوق قرض‌الحسنه تعاونی، ۶۵/۶٪ از اعضای موفقیت تعاونی را در حد کم و خیلی کم ارزیابی نموده‌اند. لذا بیشترشان از این کارکرد تعاونی رضایت ندارند. بنابر نتایج می‌توان اظهار نمود بیشتر اعضای (۸۹/۸٪) عملکرد تعاونی خود را به لحاظ افزایش درآمد، ناموفق ارزیابی نموده‌اند. از نتایج استنباط می‌شود که تعاونی‌ها در کسب و افزایش درآمد برای اعضای نقش چشم‌گیری نداشته‌اند. یافته‌ها در تأیید نتایج نراقی (۱۳۸۹) است.

از آنجا که بیشتر (۸۶٪) در حد کم و خیلی کم بر این باورند تعاونی وضع اقتصادی آنان را بهبود بخشیده، لذا می‌توان نتیجه گرفت تعاونی‌ها تأثیری در بهبود وضع اقتصادی اعضا نداشته‌اند.

نتایج بیانگر آن بود که بیشتر اعضا (۹۶/۱٪) در حد کم و خیلی کم بر این باورند که تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال و کارآفرینی موفق عمل کرده‌اند. لذا از نتایج استنباط می‌شود تعاونی‌های مورد بررسی نقش چشمگیری در ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای اعضا نداشته‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی بر حسب میزان موفقیت تعاونی‌ها از نظر اجرای کارکردها

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها
$\frac{f_1}{n_1}$	$\frac{f_2}{n_2}$	$\frac{f_3}{n_3}$	$\frac{f_4}{n_4}$	$\frac{f_5}{n_5}$	$\frac{f_6}{n_6}$	$\frac{f_7}{n_7}$	$\frac{f_8}{n_8}$	$\frac{f_9}{n_9}$	$\frac{f_{10}}{n_{10}}$	
۳۹	۵	۲۰۳	۲۶	۵۳۱	۶۸	۱۴۸	۱۹	۷۸	۱۰	میزان تأمین اعتبارات بانکی
۱۶	۲	۸۶	۱۱	۲۴۲	۳۱	۲۹۷	۳۸	۳۵۹	۴۶	میزان تأمین منابع صندوق
۰	۰	۲۳	۳	۷۸	۱۰	۲۷۳	۳۵	۶۲۵	۸۰	میزان افزایش درآمد اعضا
۰	۰	۲۳	۳	۱۱۷	۱۵	۲۹۷	۳۸	۵۶۳	۷۲	میزان بهبود وضع اقتصادی
۰۸	۱	۲۳	۳	۰۸	۱	۸۶	۱۱	۸۷۵	۱۱۲	میزان ایجاد اشتغال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۱.۳. میزان توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی‌های مورد بررسی

در زمینه میزان توانمندی اقتصادی اعضای تعاونی‌ها نتایج نشان داد که ۱۱۹ نفر (۹۳٪) در حد کم و خیلی کم، ۶ نفر (۴/۷٪) در حد متوسط، و تنها ۳ نفر (۲/۴٪) در حد زیاد و خیلی زیاد توانمند هستند. از نتایج استنباط می‌شود که بیشتر اعضا از توانمندی اقتصادی خیلی کمی برخوردارند (جدول ۲).

در زمینه متغیرهای تشکیل‌دهنده توانمندسازی اقتصادی اعضا نیز نتایج بیانگر آن است که ۸۶٪ از اعضا پس از دریافت تسهیلات بانکی در حد کم و خیلی کم توانسته‌اند اشتغال‌زایی کنند، از نتایج استنباط می‌شود که مبالغ داده شده به حدی ناچیز بوده که بیشتر اعضا پس از

دریافت آن نتوانسته‌اند ایجاد اشتغال نمایند. یافته‌ها در تأیید نتایج طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) است.

نتایج بیانگر آن است که، افزایش درآمد پس از عضویت در تعاونی برای ۹۱/۴٪ از اعضای به میزان کم و خیلی کم بوده است. لذا بیشتر اعضای پس از عضویت در تعاونی، درآمد کمی توانسته‌اند کسب نمایند. در تحلیل این نتیجه می‌توان اظهار نمود که تعاونی‌ها کارکرد ویژه‌ای ندارند تا برای اعضای ایجاد درآمد کنند. اگر هم اعضای درآمد کمی تا به حال کسب نموده‌اند، به احتمال ناشی از آن بوده که آنان پس از دریافت وام، اقدام به راه‌اندازی مشاغل کاذب مانند فروش اجناس مورد نیاز روستائیان، دست‌فروشی و مانند آن می‌کنند. یافته‌ها در تأیید نتایج خدامرادی (۱۳۸۴) است. ۹۳/۸٪ از اعضای از توان پس انداز کمی داشته‌اند. نتایج این بخش در تأیید نتایج بحث پیشین است. اعضای پس از عضویت درآمد کمی کسب نموده‌اند، به گونه‌ای که میزان درآمد کسب شده، قابل پس انداز نبوده است. یافته‌ها در تأیید نتایج شکوری (۱۳۸۷) است. از آنجا که ۹۵/۳٪ از اعضای در حد کم و خیلی کم توانسته‌اند از راه تعاونی شغل درآمدزا و مستمر برای خود ایجاد نمایند، لذا می‌توان نتیجه گرفت تعاونی‌ها به لحاظ این کارکرد نیز نتوانسته‌اند موفق عمل کنند. یافته‌ها در تأیید نتایج خدامرادی (۱۳۸۴) است. از آنجا که استقلال و خودکفایی اقتصادی پس از بهره‌مندی از اعتبارات صندوق، برای ۹۳٪ از اعضای به میزان کم و خیلی کم بوده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که اعضای خودکفایی اقتصادی خیلی کمی داشته‌اند. این نتیجه را می‌توان چنین تحلیل نمود که مدیریت اقتصادی خانواده در محیط روستا به عهده مردان است. لذا زنان اختیاری در هزینه و پس انداز تسهیلات بانکی و وام‌هایی که از محل اعتبارات صندوق دریافت می‌کنند، ندارند. به فرض اینکه زنان اختیار هزینه یا پس انداز این مبلغ را هم داشته باشند، مبلغ به حدی ناچیز است که نمی‌تواند زمینه خودکفایی آنان را فراهم سازد. یافته‌ها در تأیید نتایج شکوری (۱۳۸۷)، طالب و نجفی اصل (۱۳۸۶) و خدامرادی (۱۳۸۴) است. با توجه به اینکه افزایش درآمد به واسطه بهره‌مندی از وام اعتباری در تعاونی برای ۹۶/۱٪ از اعضای به میزان کم و خیلی کم بوده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت بیشتر اعضای به واسطه

بهره‌مندی از وام اعتباری، افزایش درآمد نداشته‌اند. در تحلیل نتایج می‌توان اظهار نمود که سرمایه در گردش صندوق‌های اعتباری در تعاونی‌های مورد بررسی خیلی کم است و اغلب صندوق‌ها کمبود نقدینگی دارند. به طوری که منابع پرداختی صندوق‌های تعاونی به حدی کم است که تسهیلات اعطایی آن نه تنها موجب افزایش درآمد نمی‌شود، بلکه حتی در رفع نارسایی‌های مالی نیز نمی‌تواند مؤثر باشد. ضمن اینکه فرآیند تسهیلات اعطایی آن دست‌وپاگیر و دراز مدت است. یافته‌ها در تأیید نتایج حسینی و سوری (۱۳۸۹) است.

جدول ۲. توزیع فراوانی بر حسب میزان توانمندی اقتصادی اعضاء تعاونی‌های مورد بررسی

متغیرها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	ف _۱	ف _۲	ف _۱	ف _۲	ف _۱	ف _۲	ف _۱	ف _۲	ف _۱	ف _۲
میزان توانمندی اقتصادی	۹۰	۷۰.۳	۲۹	۲۲.۷	۶	۴.۷	۲	۱.۶	۱	۰.۸
میزان ایجاد زمینه اشتغال بواسطه بهره‌مندی از وام	۸۶	۶۷.۲	۲۴	۱۸.۸	۱۲	۹.۴	۵	۳.۹	۱	۰.۸
میزان افزایش درآمد پس از عضویت در تعاونی	۸۹	۶۹.۵	۲۸	۲۱.۹	۸	۶.۳	۲	۱.۶	۱	۰.۸
میزان افزایش توان انداز پس از عضویت	۱۰۴	۸۱.۳	۱۶	۱۲.۵	۶	۴.۷	۲	۱.۶	۰	۰
میزان ایجاد شغل درآمدزا	۱۱۶	۹۰.۶	۶	۴.۷	۴	۳.۱	۱	۰.۸	۱	۰.۸
میزان خودکفایی بواسطه بهره‌مندی از وام	۹۲	۷۱.۹	۲۷	۲۱.۱	۵	۳.۹	۳	۲.۳	۱	۰.۸
میزان افزایش درآمد بواسطه بهره‌مندی از وام	۸۵	۶۶.۴	۳۸	۲۹.۷	۲	۱.۶	۳	۲.۳	۰	۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. نتایج استنباطی

۲.۱. تبیین رابطه بین کارکردهای اجرایی با توانمندسازی اقتصادی اعضاء

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک و با توجه به رتبه‌ای بودن متغیرهای یاد شده از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد بین متغیرهای میزان تأمین وام و اعتبارات بانکی (۰.۲۸۵)، و میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی (۰.۲۸۲) در سطح ۰.۰۱ و بین متغیرهای میزان افزایش درآمد (۰.۲۱۵) و میزان بهبود وضع اقتصادی اعضا (۰.۱۹۴) در سطح ۰.۰۵ با توانمندسازی اعضا رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. از سویی، نتایج نشان می‌دهد که تنها متغیر میزان تأمین منابع مالی صندوق قرض‌الحسنه تعاونی با توانمندسازی اقتصادی اعضا رابطه معنی‌داری ندارد (جدول ۳).

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین متغیرهای کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها و توانمندسازی اقتصادی اعضا

Sig	میزان I همبستگی	ضریب همبستگی	توانمندسازی اقتصادی	کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها
۰.۰۰۱	۰.۲۸۵ ^{**}	اسپیرمن	"	میزان تأمین وام و اعتبارات
۰.۰۲	۰.۱۰۳ ^{NS}	اسپیرمن	"	میزان تأمین منابع صندوق
۰.۰۱	۰.۲۱۵ [*]	اسپیرمن	"	میزان افزایش درآمد اعضا
۰.۰۰۲	۰.۱۹۴ [*]	اسپیرمن	"	میزان بهبود وضع اقتصادی اعضا
۰.۰۰۱	۰.۲۸۲ ^{**}	اسپیرمن	"	میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی

^{**} معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ =NS عدم معنی‌داری

۲.۲. تعیین کارکردهای اجرایی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی اعضا

در ادامه به منظور برآورد تأثیر جمعی کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها بر متغیر توانمندسازی اقتصادی اعضا از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. روشی که برای سنجش متغیرهای تبیین‌کننده در نظر گرفته شد، روش گام به گام بود. در تحلیل رگرسیون در نخستین گام؛ متغیر «ایجاد اشتغال و کارآفرینی» وارد معادله شد که میزان ضریب همبستگی چندگانه برای متغیر یاد شده برابر با ۰.۶۲۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰.۳۸۹ به دست آمد. نتایج بیانگر آن است که ۳۹.۳ درصد از تغییرهای توانمندسازی اقتصادی اعضا را این متغیر به تنهایی تبیین می‌نماید. در گام بعد؛ متغیر «افزایش درآمد اعضا» وارد معادله شد. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه را به ۰.۶۷۷ و ضریب تعیین تعدیل شده را به ۰.۴۵۰

افزایش داد. نتایج همچنین بیانگر آن است که این متغیر به همراه متغیر اول، ۴۵.۹ درصد از تغییرهای متغیر توانمندسازی اقتصادی اعضاء را تبیین می‌نمایند. در گام سوم؛ پس از تغییرهای میزان ایجاد اشتغال و کارآفرینی و میزان افزایش درآمد اعضاء، متغیر «تأمین وام و اعتبارات بانکی» وارد معادله شد. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه را به ۰.۶۹۶ و ضریب تعیین تعدیل شده را به ۰.۴۷۲ افزایش داد. نتایج بیانگر آن است که این سه متغیر، ۴۸.۵ درصد از تغییرهای متغیر توانمندسازی اقتصادی را تبیین می‌نمایند. لذا نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که پس از ورود چهار متغیر که دارای همبستگی معنی‌دار با متغیر توانمندسازی اقتصادی اعضاء بودند، تنها سه متغیر در معادله باقی ماندند. این سه متغیر در مجموع توانایی تبیین ۴۸.۵ درصد از تغییرهای توانمندسازی اقتصادی اعضاء را دارند. نتایج نشان می‌دهد که ۵۱.۵ درصد از تغییرهای مربوط به عامل‌هایی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته. لازم به یادآوری است که متغیر «ایجاد اشتغال و کارآفرینی» با بیشترین میزان بتا، بیشترین سهم را در پیشگویی تغییرهای متغیر توانمندسازی اقتصادی اعضاء دارد. زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر توانمندسازی اقتصادی، ۶۲.۷٪ درصد تغییر کند. لذا از نتایج استنباط می‌شود که با افزایش امکان ایجاد اشتغال برای اعضاء از راه تعاونی، میزان توانمندی آنان به همان نسبت افزایش می‌یابد. برخی نتایج بدست آمده در پژوهش‌های Sanyang & Huang (2008) و Nawaz (2009) با این یافته همخوانی دارند. بر پایه نتایج به دست آمده معادله خطی تشکیل شده از رگرسیون عبارت است از:

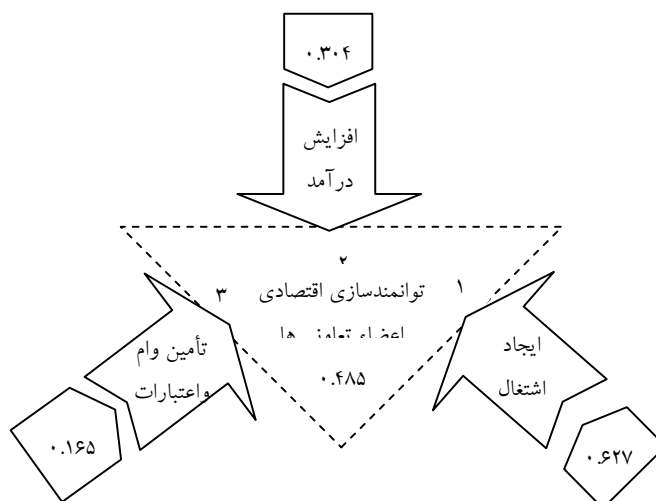
$$\hat{Y} = 1.019 + 3.580(x_1) + 1.507(x_2) + 0.666(x_3)$$

(x_1 = ایجاد اشتغال و کارآفرینی، x_2 = افزایش درآمد اعضاء، x_3 = تأمین اعتبارات بانکی)
نگاره (۱) نشانگر اهمیت کارکردهای اجرایی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء و میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر پایه مقادیر بتا می‌باشد. از آنجا که بتا میزانی استاندارد شده است، لذا می‌تواند تعیین کننده اهمیت نسبی و نقش متغیرهای پیش بین در پیش بینی متغیر ملاک باشد. به این ترتیب متغیر «ایجاد اشتغال و کارآفرینی» با بیشترین میزان بتا، مؤثرترین عامل در تبیین تغییرهای متغیر ملاک است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه در تعیین کارکردهای اجرایی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء

متغیرهای وارد شده در معادله	β	R	ضریب تعیین	R^2	B	t	Sig
۱ ایجاد اشتغال و کارآفرینی	۰.۶۲۷	۰.۶۲۷ ^a	۰.۳۸۹	۰.۳۹۳	۳.۵۸۰	۹.۰۴۰	۰.۰۰۰
۲ ایجاد اشتغال و کارآفرینی	۰.۴۶۲						
افزایش درآمد اعضاء	۰.۳۰۴	۰.۶۷۷ ^b	۰.۴۵۰	۰.۴۵۹	۱.۵۰۷	۳.۸۸۱	۰.۰۰۰
۳ ایجاد اشتغال و کارآفرینی	۰.۴۵۰						
افزایش درآمد اعضاء	۰.۲۷۹						
تأمین وام و اعتبارات	۰.۱۶۵	۰.۶۹۶ ^c	۰.۴۷۲	۰.۴۸۵	۰.۶۶۶	۲.۵۰۰	۰.۰۱

Constant = ۱/۰۱۹ F = ۳۸/۸۶۶ Sig.F = ۰/۰۰۰



نگاره ۱. کارکردهای اجرایی مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام

پیشنهادها

با نگرش به کارکردهای اجرایی تعاونی‌ها می‌توان به این نتیجه دست یافت که تعاونی‌های مورد بررسی تاکنون نتوانسته‌اند نقش مؤثر و بارزی را در توانمندسازی اقتصادی اعضاء ایفا نمایند. لذا بر پایه نتایج تحقیق، به منظور افزایش میزان اثر بخشی تعاونی‌ها در توانمندسازی اقتصادی اعضاء پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

۱- از آنجا که در این پژوهش ایجاد اشتغال بر توانمندسازی اعضاء تأثیرگذار است و این که تعاونی‌های مورد نظر نتوانسته‌اند برای بیشتر اعضاء (۹۶/۱٪) ایجاد اشتغال نمایند، لذا ضروری است عناصری که منجر به ایجاد اشتغال برای اعضاء در تعاونی‌ها می‌شوند شناسایی و برای تقویت آنان اقدام‌های مقتضی صورت گیرد. بخش تعاون، ظرفیت ایجاد فرصت‌های شغلی مختلفی برای حضور فعال زنان روستایی دارد که از این فرصت‌ها می‌توان برای اشتغال‌زایی بیشتر آنان سود جست. لذا شایسته است مسئولان به این مورد توجه کافی نشان دهند.

۲- در راستای پیشنهاد (۱)، ایجاد اشتغال از راه تعاونی به تنهایی برای توانمندسازی کافی نیست. هنگامی ایجاد اشتغال می‌تواند سودمند باشد که به شغل مستمر و درآمد زا مبدل شود. بنابر نتایج، ۹۵/۳٪ از اعضاء موفق به ایجاد شغل درآمد زا و مستمر از راه تعاونی نشده‌اند. تداوم و استمرار شغلی نیازمند تدوین و اعمال ساز و کارهای پشتیبانی شده بسیاری است. بر این پایه، برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های پشتیبانی منسجم قابل توصیه بوده و لازم است در این راستا؛ مواردی مانند برخورداری آسان اعضاء از آموزش‌های مهارت زا، مشاوره‌های مدیریتی و تخصصی، آشنایی با اصول و مفاهیم کارآفرینی، تقویت روحیه تعاون، افزایش روحیه خلاقیت و نوآوری، دسترسی به تسهیلات بانکی، دستیابی به منابع و نهاده‌ها و از همه مهم‌تر پشتیبانی‌های دولتی در فهرست ساز و کارهای اجرایی قرار گیرند.

۳- از آنجا که تأمین وام و اعتبارات بانکی بر توانمندسازی اقتصادی اعضاء تأثیرگذار بود بنابراین می‌توان انتظار داشت با افزایش میزان تسهیلات، میزان توانمندی اقتصادی اعضاء نیز افزایش یابد. لذا چنانچه یکی از کارکردهای اصلی تعاونی‌ها، کماکان توانمندسازی زنان به واسطه بهره‌مندی از وام باشد، به ناچار باید دسترسی به تسهیلات افزایش یابد.

۴- در تکمیل پیشنهاد (۳)، از آنجا که تعاونی‌ها به لحاظ تأمین اعتبارات عملکرد موفق‌تری نداشته‌اند، لذا به سازمان مرکزی تعاون روستایی پیشنهاد می‌شود بودجه بیشتری را به سهم استان اختصاص دهند. مبالغ به‌حدی کم است که منجر به کسب یا افزایش درآمد نمی‌شود. انتظار می‌رود مبلغ اعطایی به میزانی باشد که اعضاء بتوانند با آن زمینه کاری درآمدزا و شغل دائم و مستمری را ایجاد نمایند و از این راه وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند.

منابع

۱. برازنده مقدم، ف. (۱۳۸۸)، نحوه تعامل با دستگاه‌های اجرایی مرتبط با تعاونی‌های زنان، مجموعه مقالات نخستین نشست تعاونی‌های زنان. مرکز انتشارات سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. صفحات ۶۷-۶۱.
۲. بهنود، م. (۱۳۸۸)، واحدهای اعتباری راهکاری برای جلب مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی در تعاونی‌ها، مجموعه مقالات نخستین نشست تعاونی‌های زنان. آبان ماه ۱۳۸۸. صفحات ۷۸-۷۵.
۳. ثابت دیزاوندی، م، انصاری، ح، و ازکیا، م. (۱۳۸۹)، بررسی میزان رضایت اعضاء از عملکرد اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های روستایی بررسی موردی: شهرستان مشهد، فصلنامه تعاون. سال بیست و یکم. دوره جدید. شماره ۲. صفحات ۸۹-۶۳.
۴. حسینی، ش. و سوری، ا. ر. (۱۳۸۹)، وضعیت تأمین مالی تعاونی‌ها و شیوه‌های تقویت آن، فصلنامه تعاون. سال بیست و یکم. دوره جدید. شماره ۱. صفحات ۵۸-۲۷.
۵. خدامرادی، ش. (۱۳۸۴)، بررسی نقش صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه فعالیت‌های آموزشی و ترویجی (بررسی موردی استان مازندران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
۶. رزاقی، ف. (۱۳۸۸)، بررسی رویکرد ترویج کشاورزی به توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های روستایی، نوشتار ارائه شده به نخستین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه شیراز. صفحات ۴۵-۴۰.
۷. شکوری، ع. (۱۳۸۷)، سیاست‌های پشتیبانی و توانمندسازی زنان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال شانزدهم. شماره ۶۱. صفحات ۱۵۹-۱۲۹.
۸. طالب، م، و نجفی اصل، ز. (۱۳۸۶)، پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه روستا و توسعه. سال دهم. شماره ۳. صفحات ۲۶-۱.
۹. گل محمدی، ف، معتمد، م. ک، و رخشانی پور، گ. (۱۳۸۸)، نگاهی بر اهمیت و کارکرد شرکت‌های تعاونی در افزایش بهره‌وری و توانمندسازی زنان روستایی (با تأکید بر خراسان جنوبی)، ارائه شده به نخستین همایش ملی اصلاح الگوی مصرف با محوریت منابع طبیعی، کشاورزی و دامپزشکی.
۱۰. نراقی، ع. ا. (۱۳۸۹)، ساختارسازی سازه‌های ترویج برای مدیریت تعاونی‌های کشاورزی، رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

11. Nawaz, F. 2009. Critical Factors of Women Entrepreneurship Development in Rural Bangladesh. BDR. BDRWPS 5, 1-16.

12. Randriamaro, Z. 2008. Trade, Poverty & Women's Economic Empowerment in Sub-Saharan Africa. EC/WSRWD. 1-16.
13. Sanyang, S.E. and H. Huang. 2008. Green Cooperatives: A Strategic Approach Developing Women's Entrepreneurship in the Asian and Pacific Region. World Journal of Agricultural Sciences. 4(6), 674 – 683.
14. United Nations. 2007. Developing women's entrepreneurship and e-business in green cooperatives in the Asian and pacific region.